

روایت حس و حال خبرنگاران و عکاسانی که
امسال در مراسم اربعین حضور داشتند

قاب دلدادگی^۴

شهریور ۱۴۰۵
پیام هلال
نشریه داخلی جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران

روایت خدمت پرستاران داوطلب هلال احمر در اربعین وقتی عشق روپوش سفید می‌پوشد^۲



یادداشت

یک پیام هلال اربعینی

درست است که حالا اربعین تمام شده است و بسیاری از داوطلبان و امدادگرانی که در مراسم اربعین حضور داشتند، به خانه بازگشته‌اند و زندگی به شکل همیشگی‌اش، در جریان است؛ اما درس آموخته‌های اربعین همچنان وجود دارد و خاطرات آن در جریان. به همین دلیل است که برای شماره پیام هلال با داوطلبان پزشک، پرستار، خبرنگار و عکاسی که امسال در مراسم پیاده‌روی حضور داشتند، صحبت کردیم. پس این شماره اربعینی با تمام حس و حال داوطلبانه، تقدیم به شما.



روایت خدمت پرستاران داوطلب هلال احمر در اربعین وقتی عشق روپوش سفید می‌پوشد

سیمافراہانی | اربعین فقط راه رفتن در جاده‌های منتهی به کربلا نیست. اربعین، صحنه بزرگی از همراهی، صبوری و خدمت است. جایی که خیلی‌ها با ذوق و شوق از جان و دل می‌آیند. در این میان خیلی‌ها هم هستند که با دست‌های آماده برای کمک وارد میدان می‌شوند. در میان جمعیت زائران، نیروهای درمانی و داوطلبان هلال احمر، بی‌منت مشغول خدمت‌رسانی هستند. از پانسمان یک زخم ساده گرفته تا رسیدگی به یک بیمار بدحال. بعضی از آن‌ها سال‌هاست که این مسیر را می‌آیند و هر بار، با ذوق و شوق بیشتر به میدان خدمت برمی‌گردند. در میان داوطلبان و نیروهای درمانی هلال احمر است، دو پرستار که هر کدام به شکلی، خدمت در اربعین را بخشی از زندگی خود کرده‌اند، روایتی متفاوت در کربلا و نجف دارند. یکی از زنجان آمده و سال‌هاست در کنار همسرش در این مسیر خدمت می‌کند. دیگری از خراسان شمالی است. کسی که مسیر زندگی‌اش را به خاطر علاقه به کمک به مردم تغییر داده و به پرستاری رسیده است.

دل خوش در خدمت

فضای اربعین همیشه پرجمعیت، شلوغ و گرم است. کسانی که از شهرهای خنک‌تر می‌آیند، گرمای آنجا را بیشتر حس می‌کنند. اما برای کسانی مثل نسرین اسدی، این سختی‌ها در برابر حس خدمت، کوچک می‌شود. او از روزهایی می‌گوید که با وجود خستگی، زمان را حس نمی‌کند: «اربعین خیلی گرم است و ما گرما را چند برابر حس می‌کنیم. بعضی وقت‌ها حتی کولر هم جواب نمی‌دهد. ولی با همه این سختی‌ها، آدم اصلاً به خستگی فکر نمی‌کند. من همیشه می‌گویم شیرینی این کار، ارزش همه سختی‌هایش را دارد. آن ۱۸ روزی که آنجا هستیم، خیلی زود می‌گذرد. اصلاً نمی‌فهمم چه‌طور شروع شد و چه‌طور تمام شد. کار ما فقط دادن دارو یا تزریق نیست. هر کسی که مشکل پیدا کند، از زائر خسته گرفته تا بیماری که مشکل قلبی دارد یا کسی که در مسیر آسیب دیده، به درمانگاه می‌آید. ما اول اقدامات اولیه را انجام می‌دهیم. اگر نیاز به اعزام باشد، او را به بیمارستان می‌فرستیم. گاهی یک مریض فقط به کمی آرامش و دل‌داری نیاز دارد، گاهی هم موضوع خیلی جدی‌تر است و باید سریع تصمیم گرفت. یکی از خاطراتی که هنوز در ذهنم مانده مربوط به وقتی است که برای کار درمان به نجف رفته بودیم. یک خانواده تازه از ایران رسیده بودند. خانمی از همان اول حالش بد شده بود. سرش گیج رفت و به لبه تخت خورده بود. بینی‌اش شکسته و کنار ابرویش هم زخم برداشته بود و نیاز به بخیه داشت. وقتی به درمانگاه آمد، خیلی ناراحت بود و گریه می‌کرد. دکتر به او گفته بود شاید لازم باشد برگردد ایران. همین باعث شده بود بیشتر به هم بریزد. مدام می‌گفت من تازه رسیده‌ام، چرا باید برگردم؟ ما نشستیم با او حرف زدیم، آرامش کردیم، کمکش کردیم با پزشکش در ایران تماس بگیرد. بعد از صحبت و بررسی، معلوم شد که لازم نیست فوری برگردد و می‌تواند زیارتش را انجام بدهد و بعد برای ادامه درمان به ایران برگردد. وقتی این را فهمید، خیلی خوشحال شد. همان لحظه روبوسی می‌کرد و از خوشحالی اشک می‌ریخت. برای من، این صحنه‌ها خیلی ارزش دارد. بعضی وقت‌ها آدم فقط درد جسم را درمان نمی‌کند؛ نگرانی دل مردم هم با چند جمله آرام می‌شود.»



آشنایی در هلال احمر، ادامه راه در کنار هم

نسرین اسدی از همان جا که وارد هلال احمر شد، نه فقط مسیر حرفه‌ای‌اش، بلکه مسیر زندگی‌اش هم شکل گرفت. آشنایی او با همسرش هم از همان روزها شروع شد: «من و همسرم حدود ۲۲ سال است که ازدواج کرده‌ایم. آشنایی ما هم از هلال احمر شروع شد. من در درمانگاه بودم و او هم در داروخانه هلال احمر کار می‌کرد. همانجا با هم آشنا شدیم. بعد از آن، من بیشتر وارد دوره‌های امدادگری و مربی‌گری شدم و این مسیر ادامه پیدا کرد. در واقع، هلال احمر فقط محل خدمت برای ما نبود. بخشی از زندگی ما شد.»

نتیجه خدمت، در زندگی برمی گردد

او باور دارد خوبی کردن و خدمت، بی‌پاسخ نمی‌ماند. این را در زندگی‌اش به وضوح لمس کرد. حادثه‌ای که خودش در آن تا آستانه مرگ رفت و سالم برگشت. او این نجات را بی‌ارتباط با سال‌های خدمتش نمی‌داند: «من نتیجه این خدمات را در زندگی‌ام دیده‌ام. یک بار از ماموریت برمی‌گشتم. لباس هلال احمر تنم بود. ماشین به خاطر نقص فنی واژگون شد و چهار بار ملق زد. صحنه خیلی سختی بود. به شکلی از ماشین بیرون آمدم که خودم هم باورم نمی‌شد. وقتی نگاه کردم، از ماشین چیزی نمانده بود، اما من فقط جای کمر بند روی بدنم مانده بود. آنجا بود که بیشتر از قبل با خودم گفتم شاید این لطف خدا، نتیجه همین خدمات‌ها باشد.»



لحظه‌های سختی که فراموش نمی‌شوند

در میان خاطرات اربعین، بعضی صحنه‌ها هیچ وقت از ذهن پاک نمی‌شود. صحنه‌هایی که هم اضطراب دارند، هم سرعت عمل، هم ترس و هم امید. نسرین یکی از این لحظه‌ها را با جزئیات به یاد دارد: «یک بار در اربعین، مردی را آوردند که خیلی درشت‌هیکل بود. ظاهر را در یکی از موکب‌های غذا، چاقو به پیش خورده بود. وقتی آوردندش، دیدیم زخم خیلی جدی است. چاقو به رگ اصلی پا آسیب زده بود. همه سریع جمع شدیم. دکتر، همسرم، پرستارها و چند نفر از نیروهای هلال احمر بالای سرش رفتیم. چون هیکلش هم درشت بود، رگ گرفتن سخت شده بود. با زحمت توانستیم رگ بگیریم و سرم وصل کنیم. حتی جابه‌جا کردنش روی تخت هم کار راحتی نبود. با کمک چند نفر، خیلی سریع او را سوار آمبولانس کردیم و به بیمارستان فرستادیم. بعدا خبردار شدیم که حالش بهتر شده و این برای ما خیلی آرامش‌بخش بود. بعضی وقت‌ها هم فقط دیدن چهره زائران ایرانی، خودش یک اتفاق خوب است. می‌گویند وقتی شما را می‌بینیم، حس امنیت داریم. چون زبان‌مان یکی است، راحت‌تر دردشان را می‌گویند، درباره داروها می‌پرسند و حس می‌کنند یکی از خودشان را پیدا کرده‌اند. این حس برای ما خیلی قشنگ است.»

هر لحظه اربعین، یک خاطره ماندگار

برای مهدی سعادتمند، اربعین فقط مجموعه‌ای از روزهای شلوغ نیست. او می‌گوید تقریباً همه لحظه‌های این ایام برایش خاطره است. از مدیریت درمانگاه تا سر زدن به نیروها و آماده بودن برای هر اتفاقی: «برای من لحظه به لحظه این خدمت خاطره خوب است. الان هم که مسئولیت درمانگاه را دارم، چون خودم پرستار هستم، مدام به بچه‌ها سر می‌زنم. هر جا که باشیم، همین که در این مسیر خدمت می‌کنیم، برای ما ارزش دارد. موارد نجات و کمک در این سال‌ها برای من زیاد بوده، آن قدر زیاد که بعضی‌هایش دیگر به بخشی عادی از کارم تبدیل شده. اما با این حال، هیچ وقت ارزشش کم نمی‌شود. ما فقط برای اربعین نیست که آماده‌ایم. هر وقت نیاز باشد، در درمان اضطرابی، در بحران‌ها و در هر جایی که مردم به کمک احتیاج داشته باشند، حاضر می‌شویم.»

جمعیت هلال احمر
سازمان داوطلبان
Volunteers Organization



مردی که مسیرش را برای خدمت عوض کرد

مهدی سعادتمند از خراسان شمالی آمده است. مردی با سال‌ها سابقه در هلال احمر. حرف‌های او نشان می‌دهد که خدمت برای بعضی آدم‌ها فقط یک شغل یا ماموریت نیست، بلکه تبدیل به باور زندگی‌شان می‌شود. او سال‌هاست در جمعیت هلال احمر حضور دارد و اربعین برایش یکی از صحنه‌های پررنگ این خدمت است. مهدی سعادتمند می‌گوید: «حدود ۲۵ سال می‌شود که در این مسیر فعالیت دارم. نزدیک ۱۴ سال هم هست که به صورت رسمی استخدام شده‌ام. امسال چهارمین سالی است که برای مراسم اربعین اعزام می‌شوم. شاید اگر کسی خودش این فضا را ندیده باشد، سخت باشد که حال و هوایش را درک کند. حس خدمت به زائران امام حسین (ع) قابل توصیف نیست. سختی دارد، خستگی دارد، بی‌خوابی دارد، اما همه این‌ها کنار آن حس خوب، کوچک می‌شود. من همیشه به بچه‌ها می‌گویم که تازه بعد از اربعین است که آدم می‌فهمد چه چیزی را پشت سر گذاشته. شاید باورتان نشود، اما یک هفته بعد از اربعین، من آن قدر دلتنگ آن روزها و شب‌ها می‌شوم که گاهی بی‌اختیار اشکم درمی‌آید. انگار آدم دلش در همان مسیر می‌ماند.»

روایت حس و حال خبرنگاران و عکاسانی که امسال در مراسم اربعین حضور داشتند

قاب دلدادگی

برای هر خبرنگار و عکاسی که در زمان اربعین به عراق رفته است، یک حس و حالی در جریان است. گاهی یک عکس، گاهی روایت یک اتفاق و بعضی وقت‌ها هم یک حس جاری در کربلا و نجف، مورد توجه است. در ادامه ۴ نفر از عکاسان و خبرنگاران که امسال در مراسم اربعین حضور داشتند، از یک قاب، یک روایت یا یک حس می‌گویند.

پروانه‌ای که به کربلا رسید

صفورا پورپیلهور - خبرنگار از کرمان آمده بود، با هجده سال سن و پیکری که بیماری پروانه‌ای، آن را شبیه کودکی سه ساله داشته است؛ پوستی که با کوچک‌ترین لمس، رنج را فریاد می‌زند و زخمی که هر روز، روایت تازه‌ای از صبوری می‌نویسد. او با یک آرزو که سال‌هاست هر محرم و هر اربعین، آن را به پدرش می‌گوید راهی مسیر عشق شده است: «بابا... منو ببر پیش امام حسین(ع)». امروز، ابوالفضل مهمان درمانگاه هلال‌احمر بود. پزشکان و نجاتگران، آرام و با نهایت دقت، پانسمان زخم‌هایش را تعویض کردند؛ زخم‌هایی که هر کدام، صبر را معنا می‌کرد. سکوت درمانگاه، گاهی با بغضی شکسته می‌شد و نگاه‌هایی که از شدت تأثر، خیس اشک بود. پانسمان تمام شد، دل‌هایشان طاقت نیاورد. او را تنها بدرقه نکردند؛ دستش را گرفتند، همراهش شدند و خودشان ابوالفضل را به زیارت بردند؛ به همان جایی که هر سال برای رسیدن به آن، درد را با تمام وجودش به جان می‌خورد. شاید برای خیلی‌ها، زیارت، یک مسیر چند دقیقه‌ای باشد؛ اما برای ابوالفضل، سفری بود از درد تا امید؛ از زخم تا آرامش؛ از اشک تا لبخندی که ارزش تمام خستگی‌های راه را داشت. امروز، ابوالفضل به زیارت رفت؛ اما حقیقت این است که این دل‌های خسته ما بود که در کنار او، دوباره معنای عشق، خدمت و کرامت انسان را زیارت کرد.

یک قاب و ۱۰۰ قاب

بهنام رضازاده - عکاس در عراق و اربعین، دوربین را هر کجا بچرخانی، یک تصویر هست و پشت هر تصویر، کلی قصه؛ شاید باور نکنید. آنجا کافی است چند ثانیه بایستی و نگاه کنی. مردی که کنار جاده، خسته اما آرام، برای زائرها آب می‌ریزد. پیرزنی که تمام دارایی‌اش را در یک سینی کوچک گذاشته و با اصرار تعارف می‌کند. کودکی که هنوز نمی‌داند اربعین چیست، اما یاد گرفته دستمال خنک روی صورت زائر بگذارد. جوانی که از صبح تا شب کاری جز خدمت نمی‌کند و شاید حتی اسم کسانی را که به آنها کمک کرده، نداند. هر کدام از این آدم‌ها یک قاب‌اند؛ اما نه یک قاب ساده. پشت صورت هر کدام، سال‌ها زندگی، خاطره، رنج، ایمان، دلتنگی و امید ایستاده است. در اربعین، عکاس و فیلمبردار فقط با یک رویداد روبه‌رو نیست. با شهری مواجه است که موقتاً ساخته شده؛ شهری از آدم‌ها، جاده‌ها، موبک‌ها، پرچم‌ها، کفش‌های خاک‌آلود، استکان‌های چای و دست‌هایی که مدام چیزی به دیگری می‌بخشند. اینجا حتی سکوت هم تصویر دارد. کافی است دوربین را پایین بیاوری و به کفش‌ها نگاه کنی؛ هزاران مسیر را می‌بینی. به دست‌ها نگاه کنی، مفهوم بخشش را می‌بینی. به چهره‌ها نگاه کنی، خستگی و امید را هم‌زمان می‌بینی. شاید راز اربعین همین باشد؛ اینکه هیچ تصویری فقط یک تصویر نیست. هر قاب، یک در است به قصه‌ای که اگر کمی صبر کنی، اگر فقط ثبت نکنی و واقعاً نگاه کنی، خودش را به تو نشان می‌دهد. برای همین است که در عراق، گاهی سخت‌ترین کار یک عکاس، یک تصویربردار، پیدا کردن تصویر نیست؛ انتخاب نکردن از میان این همه قصه است. برای منی که ۱۰ سال است دوربین به دست، با هلال‌احمر می‌روم اربعین، این قصه هر سال شکل تازه‌ای پیدا می‌کند. ده سال است که در میان همین جاده‌ها راه می‌روم، از کنار موبک‌ها عبور می‌کنم، در گرمای عراق دنبال یک قاب می‌گردم و گاهی درست در لحظه‌ای که فکر می‌کنم دیگر چیزی برای دیدن ندارم، تصویری مقابلم ظاهر می‌شود که همه چیز را دوباره از اول تعریف می‌کند. در این سال‌ها فهمیده‌ام اربعین فقط آن چیزی نیست که از دور می‌بینیم؛ پرچم‌ها، جمعیت، پیاده‌روی و موبک‌ها. اربعین در جزئیات پنهان شده است.

در دست امدادگری که ساعت‌هاست خسته است اما هنوز ایستاده. در چشمان زائری که از شدت خستگی فقط چند ثانیه روی صندلی موبک خوابش برده. در پیرمردی که با زانوهای دردناک راه می‌رود اما حاضر نیست مسیر را نیمه‌کاره بگذارد. در کودکی که کنار مادرش خوابیده و صدای جمعیت برایش تبدیل به لالایی شده است. و شاید برای همین است که بعد از ۱۰ سال، هنوز دوربین برای من وسیله ثبت کردن نیست؛ وسیله دپن است. دوربین کمکم کرده بفهمم بعضی لحظه‌ها اگر ثبت نشوند، از حافظه جمعی ما پاک می‌شوند. یک نگاه، یک دست، یک لبخند، یک امدادسانی یا حتی چند ثانیه سکوت در میان آن همه هیاهو. من در این ۱۰ سال، اربعین را فقط از پشت ویوفایندر دوربین ندیده‌ام؛ بخشی از آن را زندگی کرده‌ام. گاهی خسته، گاهی گرسنه، گاهی زیر آفتاب، گاهی میان گرد و خاک؛ اما همیشه با این حس که شاید همین قاب بعدی، تصویری باشد که سال‌ها بعد وقتی به آن نگاه می‌کنم، دوباره صدای جاده، بوی چای، گرمای هوا و قدم‌های آدم‌هایی را بشنوم که برای یک مقصد مشترک راه افتاده بودند. شاید کار دوربین همین باشد؛ نگه داشتن چیزی که زمان، بی‌رحمانه از کنار آن عبور می‌کند، مثل یک امدادگر نگران سلامت زائری بودن که نکند از دیدار دلباز بماند.



انتظاری که پایان یافت



مهران سلیمی - عکاس و خبرنگار ساعت‌ها از ظهر گذشته بود. آفتاب داغ نجف هنوز بر خیابان‌های مملو از زائر می‌تابید و مرکز کنترل و هماهنگی عملیات اضطراری (EOC) لحظه‌ای آرام نداشت. تلفن‌ها یکی پس از دیگری زنگ می‌خورد، صدای بی‌سیم‌ها در هم می‌پیچید، نقشه‌ها و گزارش‌ها روی میزها جابه‌جا می‌شد و هر تماس، خبری تازه از گوشه‌ای از مسیر اربعین داشت. هر کس مشغول انجام مأموریتی بود؛

مأموریتی که شاید برای دیگران تنها یک تماس یا یک گزارش باشد، اما برای کسی در آن سوی خط، تمام دنیا محسوب می‌شد. در میان آن همه رفت‌وآمد، ناگهان در مرکز باز شد. مادری با قدم‌هایی آرام اما لرزان، وارد شد. چهره‌اش رنگ نداشت، چشمانش از ساعت‌ها گریه سرخ شده و انگار تمام توانش را برای ایستادن جمع کرده بود. نفسش به سختی بالا می‌آمد. نگاهش میان چهره نیروهای عملیات می‌چرخید؛ نگاهی که فقط یک خواهش در آن موج می‌زد... «کمکم کنید.» با صدایی که از بغض می‌لرزید گفت: «دخترم... بیست‌وسه سالشه... از صبح پیداش نکردم...» همین چند کلمه کافی بود تا سکوتی سنگین فضای اتاق را فرا گیرد. صدای تلفن‌ها هنوز شنیده می‌شد، اما انگار برای چند لحظه هیچ‌کس صدای دیگری را نمی‌شنید. مادر با دستانی که از شدت اضطراب می‌لرزید، عکس دخترش را از کیفش بیرون آورد؛ اشک‌هایش بی‌اختیار روی گونه‌هایش جاری شد. زیر لب دعا می‌خواند، گاهی نام دخترش را زمزمه می‌کرد و گاهی با نگاهی که میان امید و ناامیدی سرگردان بود، به نیروهای عملیات چشم می‌دوخت. از همان لحظه، جست‌وجو شروع شد. تماس‌های پیاپی با قرارگاه‌ها، درمانگاه‌ها، موکب‌ها و تیم‌های میدانی یکی پس از دیگری برقرار شد. مشخصات دختر به تمام بخش‌های مرتبط اعلام شد و پیگیری‌ها لحظه‌ای متوقف نشد. در میان آن جمعیت میلیونی، پیدا کردن یک نفر کار ساده‌ای نبود؛ اما هیچ‌کس حاضر نبود امید را کنار بگذارد. زمان به کندی می‌گذشت. برای نیروهای مرکز، هر دقیقه یعنی پیگیری یک سرنخ دیگر؛ اما برای آن مادر، هر دقیقه شبیه ساعتی طولانی بود. گاهی روی صندلی می‌نشست، اما تاب نمی‌آورد و دوباره بلند می‌شد. گاهی تسبیحش را میان انگشتانش می‌چرخاند و زیر لب می‌گفت: «با امیرالمؤمنین... فقط دخترم را سالم برگردان.» هر بار که تلفنی زنگ می‌خورد، بی‌اختیار سرش را بالا می‌آورد. هر بار که یکی از نیروها گوشی را برمی‌داشت، نگاهش پر از انتظار می‌شد. با صدایی آرام و شکسته فقط یک سؤال را تکرار می‌کرد: «خبری نشده؟» ساعت‌ها گذشت... کمتر از دوازده ساعت بعد، صدای زنگ تلفنی سکوت اتاق را شکست. یکی از نیروها پاسخ داد. چند ثانیه بیشتر طول نکشید، اما همان چند ثانیه برای همه به اندازه یک عمر گذشت. لبخند آرامی روی چهره‌اش نشست. دختر پیدا شده بود... همان یک جمله کافی بود تا اشک از چشمان مادر جاری شود. این بار اشک‌ها رنگ دیگری داشتند. دستانش را رو به آسمان بلند کرد، چند بار خدا را شکر گفت و بی‌اختیار به گریه افتاد؛ گریه‌ای که دیگر از درماندگی نبود، از سبک شدن دلش بود. لحظاتی بعد، مادر خود را به محل ملاقات رساند. وقتی دخترش را دید، چند قدم بیشتر تا او فاصله نداشت؛ اما انگار تمام آن ساعت‌های تلخ را در همان چند قدم طی کرد. دختر را در آغوش کشید، محکم‌تر از همیشه. هیچ‌کدام چیزی نمی‌گفتند. فقط اشک می‌ریختند. اشک‌هایی که هزاران حرف ناگفته را در خود داشت؛ اشک دلتنگی، اشک شکر، اشک آرامشی که دوباره به قلبشان بازگشته بود. دیدن آن صحنه، دل همه حاضران را لرزاند. نیروهایی که ساعت‌ها، بی‌وقفه پیگیر این پرونده بودند، لبخند زدند؛ لبخندی از جنس رضایت، از جنس احساس اینکه خستگی یک روز پرتلاش، ارزشش را داشت.



خانواده‌ای به بزرگی ۲۰ میلیون نفر

رضا آب شیرین - خبرنگار و عکاس من زیارت اولی‌ام. هنوز هم وقتی به این چند روز فکر می‌کنم، باورم نمی‌شود که قسمت شد در نجف اشرف باشم. همه چیز از همان لحظه‌ای شروع شد که دکتر مرادی‌پور، مسئول مرکز کنترل و هماهنگی عملیات قرارگاه برون مرزی اربعین گفت: «اسمت برای خدمت در مرکز عملیات اضطراری برون مرزی در نجف اشرف درآمده.» همان لحظه قلبم تندتر زد. نمی‌دانستم باید بخندم یا اشک بریزم. هم خوشحال بودم، هم استرس داشتم. مدام با خودم می‌گفتم نکند اتفاقی بیفتد، نکند قسمت نباشد، نکند از این توفیق بزرگ خدمت و زیارت جا بمانم. هر روز تا قبل از حرکت، هزار جور فکر از ذهنم می‌گذشت؛ اما ته دلم فقط یک دعا بود: «خدا، اگر دعوتم کردی، خودت هم راهش را هموار کن.» و خدا هم مهربانی‌اش را تمام کرد. همه چیز آن‌طور که باید پیش رفت و بالاخره راهی نجف شدیم. وقتی وارد این شهر شدم، حس عجیبی داشتم؛ حسی که تا قبل از آن هیچ‌وقت تجربه نکرده بودم؛ اما اوج همه این احساسات، لحظه‌ای بود که برای اولین بار چشمم به گنبد طلایی مولایم، امیرالمؤمنین (ع) افتاد. آن لحظه انگار دنیا برای چند ثانیه ایستاد. فقط نگاه می‌کردم... اشک بی‌اختیار روی صورتم می‌آمد. سال‌ها اسم نجف را شنیده بودم، عکس حرم را دیده بودم، اما هیچ تصویری نمی‌توانست حال آن لحظه را برایم توصیف کند. احساس می‌کردم سال‌هاست آنجا را می‌شناسم، انگار سال‌هاست دلم در این حرم جا مانده بود و حالا تازه آمده بودم دنبالش. عجیب‌تر از همه این بود که با وجود اینکه اولین بار بود به نجف می‌رفتم، اصلاً حس غریبی نداشتیم. انگار این شهر برایم ناآشنا نبود. کوچه‌هایش، هوایش، صدای اذان، نگاه مردمش... همه برایم حس خانه را داشت. آنجا آدم احساس غربت نمی‌کرد؛ احساس می‌کرد به جایی برگشته که همیشه متعلق به آن بوده است. هر طرف را که نگاه می‌کردم، فقط عشق می‌دیدم. موکب‌هایی که شبانه‌روز بدون هیچ چشم‌داشتی در حال خدمت بودند. کودک، نوجوان، جوان، پیرمرد، پیرزن... همه کنار هم فقط برای اینکه حال زائر امام حسین (ع) خوب باشد. هیچ‌کس دنبال دیده شدن نبود، هیچ‌کس توقعی نداشت. فقط لبخند می‌زدند و خدمت می‌کردند. گاهی با خودم فکر می‌کنم چه چیزی دل این همه آدم را این‌طور به هم نزدیک کرده است؟ انگار یک رشته نامرئی همه را به هم وصل کرده؛ رشته‌ای از عشق اهل بیت (ع). آنجا اگر کسی خسته بود، یکی دیگر دستش را می‌گرفت. اگر کسی تشنه بود، قبل از اینکه چیزی بگوید، برایش آب می‌آوردند. اگر کسی راه را نمی‌دانست، چند نفر با لبخند راهنمایی‌اش می‌کردند. انگار همه با هم یک خانواده بودند.



گفت‌وگوی «پیام هلال» با مرتضی مرادی‌پور درباره درس آموخته‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای اربعین ۱۴۰۵

آزمون بزرگ آمادگی



فرشته کیانی | اربعین امسال برای هلال احمر نه فقط عملیاتی گسترده برای خدمت‌رسانی، بلکه فرصتی برای ارزیابی میدانی عملکرد، شناسایی نقاط قوت و ضعف، بررسی فرصت‌ها و تهدیدها و استخراج درس آموخته‌هایی بود که باید مبنای برنامه‌ریزی برای مأموریت‌های آینده قرار گیرد. مسئول مرکز کنترل و هماهنگی عملیات قرارگاه برون‌مرزی اربعین حسینی هلال احمر و مدیرکل پدافند غیرعامل جمعیت، با تأکید بر ضرورت تحلیل تجربه اربعین با رویکرد SWOT، (نقاط قوت، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات/ مخفف کلمات Strengths, Weaknesses, Opportunities Threats و) معتقد است بررسی نظام‌مند ابعاد مختلف این عملیات، از آمادگی عملیاتی و تجهیزات تا آموزش و مدیریت شرایط اضطراری، به شناسایی خلأها و ظرفیت‌های موجود و در نهایت ارتقای تاب‌آوری جمعیت و جامعه کمک می‌کند. مرتضی مرادی‌پور در گفت‌وگو با نشریه «پیام هلال» از ضرورت تبدیل تجربه‌های میدانی اربعین به مبنایی برای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در سال‌های آینده می‌گوید.

جمعیت هلال احمر به عنوان متولی اصلی آموزش کمک‌های اولیه در دنیا، در این عرصه پرچمدار است و قطع به یقین اصلی‌ترین و مهم‌ترین آموزشی که برای مردم و امدادگران مهم و ضروری است، کمک‌های اولیه است که در سطح پیشرفته دوره‌های پیش‌بیمارستانی را هم دربرمی‌گیرد که باید برای امدادگران به صورت ویژه برگزار شود.

■ در میدان عمل، امدادگران بیشتر با چه چالشی مواجه شدند؟

ما در زمینه امداد و انتقال به مراکز درمانی، نیروهای تخصصی و زبده‌ای داریم که با لجستیک آماده عملیاتی

داشته‌ایم، هرچند نباید اقدامات کشور عراق، سایر دستگاه‌ها و ارکان دولتی و حاکمیتی را هم نادیده گرفت.

■ با توجه به بررسی نقاط قوت، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات، مهم‌ترین نیاززائران که در طول اربعین امسال مشاهده کردید، چه بود؟

مهم‌ترین نیاز نه فقط در تجمعات اربعین که در همه شرایط به‌عنوان یک مهارت زندگی، (مثل مهارت رانندگی، مهارت صحبت کردن با یک زبان بین‌المللی یا مهارت کار با رایانه) قطعاً آشنایی با کمک‌های اولیه است که جزو اصلی‌ترین مهارت‌های زندگی برای هر فردی در همه لحظات زندگی است.

■ تجربه اربعین امسال چه تصویری از میزان آمادگی و اثربخشی خدمات هلال احمر در مقایسه با سال گذشته ارائه می‌دهد؟

هر چند پاسخ دقیق به این پرسش نیاز به پروژه‌ای پژوهشی با استفاده از شاخص‌های تخصصی دارد، اما آنچه به‌عنوان شاخص کلی می‌توان به آن استناد کرد این است که در اربعین امسال نسبت به سال گذشته شاهد حدود ۴۶ درصد کاهش در آمار متوفیان بودیم. (۵۳ جانباخته در اربعین امسال نسبت به ۹۲ نفر در سال گذشته). این، به‌عنوان شاخص اصلی برای ما ملاک عمل قرار می‌گیرد که قطعاً در حوزه‌های مختلف از جمله بهداشت و درمان، آموزش و ... عملکرد خوبی



به کشور عراق اعزام می‌شوند. قطعاً شناخت مسیر، محورها و جغرافیای عراق نیاز بسیار مهمی است و باید دوره‌های آموزشی اختصاصی برای همه امدادگران و نجاتگران برگزار و این موضوع به‌عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی ما در سال‌های آینده لحاظ شود تا امدادگرانی که قرار است در کشور عراق به زائران حضرت اباعبدالله‌الحسین خدمات ارائه کنند نقشه‌خوانی یا شناخت جغرافیایی محیطی عراق را

هم فرا بگیرند که بتوانند در مسیرها و موقعیت‌های مختلف در زمینه امداد و انتقال با دقت و سرعت تأثیرگذاری لازم را داشته باشند؛ آنچه خود یکی از شاخص‌های اصلی ارائه خدمات امدادی و سلامت‌محور است.

■ تجربه عملیاتی امسال چه درس آموخته‌هایی برای نحوه برنامه‌ریزی و ارائه خدمات هلال‌احمر در اربعین سال‌های آینده به همراه داشته است؟

هر عملیات یا خدمتی در این سطح، به‌ویژه در یک مأموریت بین‌المللی و برون‌مرزی، مجموعه‌ای از درس‌آموخته‌ها و تجربیات جدید را به همراه دارد. اربعین امسال نیز از این قاعده مستثنی نبود و قطعاً تجربه عملیاتی اربعین امسال ضرورت‌های بازنگری و به‌روزرسانی خدمات در حوزه‌های مختلف را برای سال‌های آینده مشخص می‌کند. به عنوان مثال، با توجه به تغییر زمان برگزاری این مراسم و گردش آن در فصول مختلف، ممکن است با شرایط آب‌وهوایی متفاوتی، از گرمای شدید تا هوای سرد، مواجه باشیم. از سوی دیگر، تغییرات اقلیمی و احتمال شیوع بیماری‌های مختلف در تجمعات انبوه نیز باید در برنامه‌ریزی‌ها، از جمله برنامه‌های آموزشی مورد توجه قرار گیرد.

یکی از موضوعاتی که امروز نه‌تنها در کشور ما و عراق، بلکه در سطح منطقه با نگرانی بیشتری دنبال می‌شود، احتمال بروز تهدیدات تروریستی و مخاصمات ناشی از جنگ است. بنابراین، لازم است آموزش‌ها و مهارت‌های متناسب با این تهدیدات، از جمله آشنایی با مباحث طب رزم، تهدیدات شیمیایی، بیولوژیکی، رادیولوژیکی، هسته‌ای و مواد منفجره با قدرت تخریب بالا (CBRNE) و همچنین مخاطرات ناشی از انفجارها و حملات تروریستی، مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

ما در دسته‌بندی حوادث و سوانح، با حوادث طبیعی و انسان‌ساخت مواجه هستیم و حوادث انسان‌ساخت نیز ممکن است عمدی یا غیرعمدی باشند. با توجه به شرایط کنونی و افزایش نگرانی‌ها درباره تهدیدات عمدی، به‌ویژه تهدیدات شیمیایی، تروریستی و انفجاری، ضروری است امدادگران، نیروهای اجرایی و کادر عملیاتی به مهارت‌های لازم برای

مواجهه با این شرایط مسلط باشند. بنابراین، به‌روزرسانی و تقویت این آموزش‌ها باید یکی از الزامات اصلی برنامه‌های اربعین در سال‌های آینده باشد.

■ خستگی، فشار روانی و فرسودگی امدادگران در مأموریت طولانی اربعین چگونه مدیریت می‌شود؟

خستگی، فشار روانی و فرسودگی امدادگران از موضوعات مهمی است که باید در مأموریت‌های طولانی‌مدت مانند اربعین، مورد توجه ویژه قرار گیرد. همان‌طور که برای سلامت و حمایت روانی - اجتماعی آسیب‌دیدگان برنامه‌ریزی می‌کنیم، باید به سلامت روان امدادگران، نیروهای کادر و داوطلبانی که در این ایام فعالیت می‌کنند نیز به‌طور جدی توجه شود.

در این زمینه، می‌توان از ظرفیت متخصصان حوزه روان‌شناسی و روان‌پزشکی جمعیت استفاده کرد و تیم‌های تخصصی مانند تیم‌های «سحر» را نیز در کنار نیروهای عملیاتی قرار داد تا علائم و نشانه‌های خستگی، فشار روانی، اضطراب و سایر مشکلات روحی - روانی در امدادگران به‌موقع شناسایی و مدیریت شود.

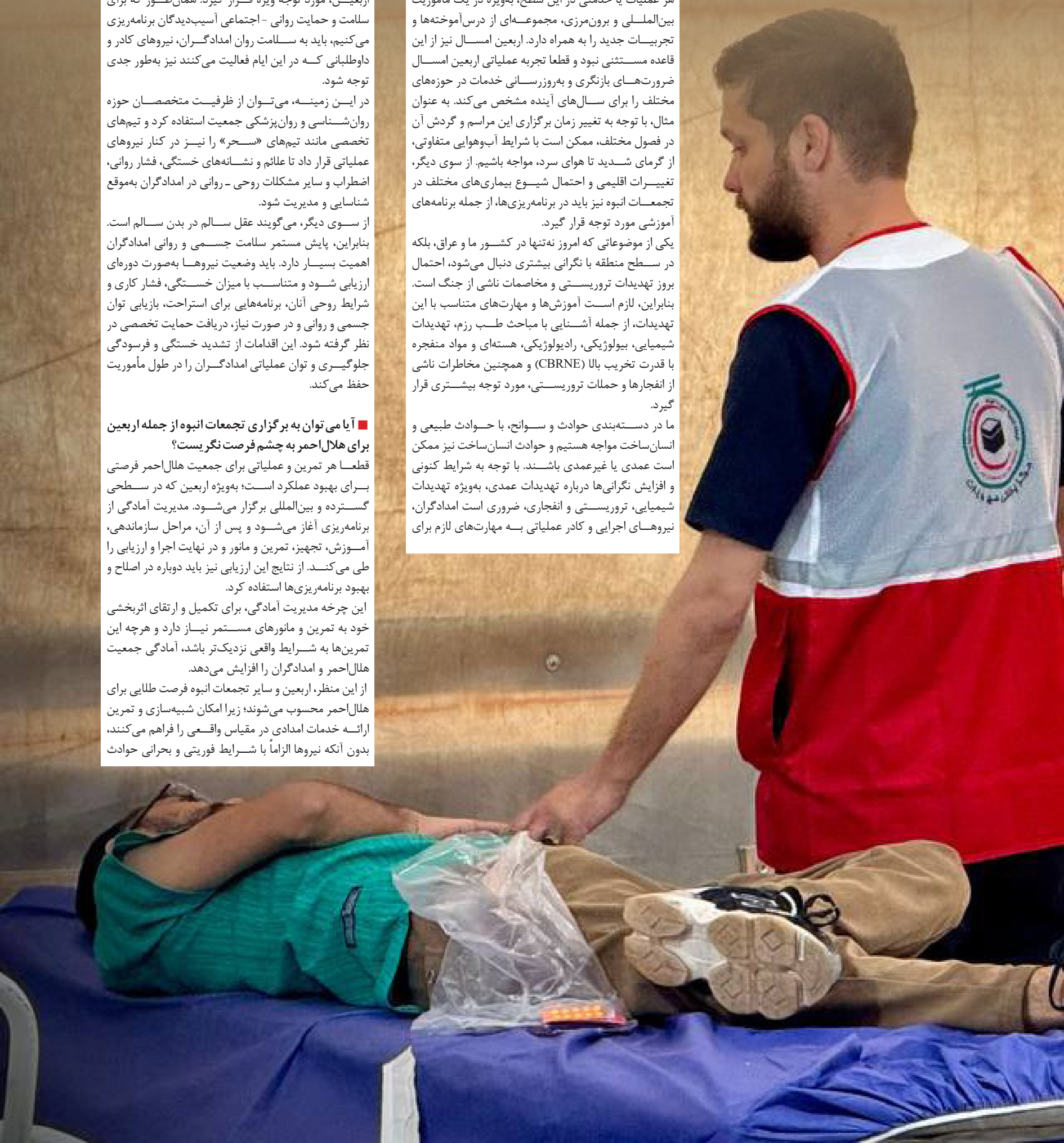
از سوی دیگر، می‌گویند عقل سالم در بدن سالم است. بنابراین، پایش مستمر سلامت جسمی و روانی امدادگران اهمیت بسیار دارد. باید وضعیت نیروها به‌صورت دوره‌ای ارزیابی شود و متناسب با میزان خستگی، فشار کاری و شرایط روحی آنان، برنامه‌هایی برای استراحت، بازیابی توان جسمی و روانی و در صورت نیاز، دریافت حمایت تخصصی در نظر گرفته شود. این اقدامات از تشدید خستگی و فرسودگی جلوگیری و توان عملیاتی امدادگران را در طول مأموریت حفظ می‌کند.

■ آیا می‌توان به برگزاری تجمعات انبوه از جمله اربعین برای هلال‌احمر به چشم فرصت نگریست؟

قطعاً هر تمرین و عملیاتی برای جمعیت هلال‌احمر فرصتی برای بهبود عملکرد است؛ به‌ویژه اربعین که در سطحی گسترده و بین‌المللی برگزار می‌شود. مدیریت آمادگی از برنامه‌ریزی آغاز می‌شود و پس از آن، مراحل سازماندهی، آموزش، تجهیز، تمرین و مانور و در نهایت اجرا و ارزیابی را طی می‌کند. از نتایج این ارزیابی نیز باید دوباره در اصلاح و بهبود برنامه‌ریزی‌ها استفاده کرد.

این چرخه مدیریت آمادگی، برای تکمیل و ارتقای اثربخشی خود به تمرین و مانورهای مستمر نیاز دارد و هرچه این تمرین‌ها به شرایط واقعی نزدیک‌تر باشد، آمادگی جمعیت هلال‌احمر و امدادگران را افزایش می‌دهد.

از این منظر، اربعین و سایر تجمعات انبوه فرصت طلایی برای هلال‌احمر محسوب می‌شوند؛ زیرا امکان شبیه‌سازی و تمرین ارائه خدمات امدادی در مقیاس واقعی را فراهم می‌کنند، بدون آنکه نیروها الزاماً با شرایط فوری و بحرانی حوادث





سلامت در سال‌های گذشته، در بستری واحد منتشر شود و همه زائران بتوانند به آن دسترسی داشته باشند.

■ **آیا می‌توان از ظرفیت مساجد، خانه‌های هلال، مدارس، دانشگاه‌ها و موبک‌ها برای آموزش پیش از سفر استفاده کرد؟**

این موضوع اصولاً لازم‌الاجرا و جزو الزامات است. باید در مسیر زائران، از ایران تا مرز و از مرز تا عتبات، از ظرفیت‌های موجود مانند مساجد، خانه‌های هلال، مدارس، پایگاه‌های امداد و حتی مراکز جمعیت هلال‌احمر استفاده و در آن فرصت که این عزیزان در آن مراکز حضور دارند هرچند کوتاه، آموزش‌های لازم را به آنان ارائه کنیم.

■ **اگر قرار باشد از همین امروز برای اربعین سال آینده برنامه‌ریزی کنید، اقدام اصلی شما چه خواهد بود؟**

قاعدتاً در درجه اول، تحلیل وضع موجود و بررسی عملکرد جمعیت هلال‌احمر در اربعین سال ۱۴۰۵ اهمیت دارد. باید عملکردمان را به‌دقت بررسی، نقاط قوت و ضعف را استخراج و فرصت‌ها و تهدیدهای موجود را شناسایی کنیم.

در مجموع، با توجه به اینکه در مصوبه شورای سیاست‌گذاری اربعین جمعیت هلال‌احمر بر تشکیل یک کمیته یا دبیرخانه دائمی برای موضوع اربعین حسینی تأکید شده است، پیشنهاد من این است که زیرمجموعه این کمیته یا دبیرخانه، کمیته‌های مختلفی مانند کمیته برنامه‌ریزی، سازماندهی، آموزش و تجهیز تشکیل شود. این ساختار می‌تواند کمک بسیاری به برنامه‌ریزی و ارتقای عملکرد جمعیت در اربعین کند.

با توجه به تحلیل‌های عملکردی که از سال‌های گذشته انجام می‌شود و درس‌آموخته‌ها، نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها، می‌توان محتواهای آموزشی مورد نیاز را استخراج و برای آن برنامه‌ریزی کرد تا آموزش‌های لازم، به‌صورت میدانی و مهارتی، طراحی و ارائه شود.

با توجه به اینکه در این مسیر باید آموزش‌ها در کوتاه‌ترین زمان ممکن ارائه شود، این موضوع تا حدودی کار را دشوارتر می‌کند و نیازمند برنامه‌ریزی مناسب است. باید به سمت طراحی و ارائه آموزش‌هایی برویم که بتواند در زمانی کوتاه، با استفاده از ادبیات بین‌المللی، محتوای تصویری و حتی آموزش‌های صامت، پیام‌ها و مهارت‌های ضروری را به زائران منتقل کند.

■ **به نظر شما زائران اربعین سال آینده باید پیش از سفر چه مهارت‌هایی را حتماً یاد بگیرند؟**

مجدد تأکید می‌کنم که آشنایی با کمک‌های اولیه، یکی از مهارت‌های اصلی زندگی است که نه تنها لازم است زائران پیش از سفر اربعین آن را فرا بگیرند، بلکه همه افراد باید در طول زندگی این آموزش‌ها را ببینند و مهارت‌های لازم را کسب کنند.

قطعاً با توجه به مهارت‌هایی که افراد از آموزش کمک‌های اولیه به دست می‌آورند، در مواجهه با مخاطرات و حوادث احتمالی، آمادگی بیشتری خواهند داشت و می‌توانند در لحظات اولیه، واکنش صحیح‌تر و مؤثرتری نشان دهند.

■ **چگونه می‌توان آموزش‌های کوتاه و کاربردی را جایگزین آموزش‌های طولانی و کم‌اثر برای عموم زائران کرد؟**

بهترین راه، استفاده از فضای مجازی و ظرفیت گوشی‌های همراه زائران است؛ چه زمانی که زائران در داخل کشور حضور دارند و چه پس از خروج از کشور. می‌توان از تلفن همراه و بسترهای مجازی که در اختیار زائران قرار دارد، برای ارائه آموزش‌های کوتاه، کاربردی و قابل استفاده بهره برد. البته به‌عنوان یک درس‌آموخته، پیشنهاد می‌کنم همه دستگاه‌های مرتبط برای ایجاد یکپارچگی در ارائه آموزش‌ها، به سمت طراحی و راه‌اندازی یک اپلیکیشن یا نرم‌افزار کاربردی قابل نصب روی تلفن همراه حرکت کنند تا محتوای آموزشی مورد نیاز زائران، با توجه به درس‌آموخته‌های حوزه

غیرمترقبه مواجه باشند. این فرصت به جمعیت اجازه می‌دهد برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، آموزش‌های ارائه‌شده، سازماندهی نیروها و تجهیزات تأمین‌شده را در یک عملیات گسترده ملی و بین‌المللی به‌صورت عملی محک بزنند، نقاط قوت و ضعف را شناسایی کند و در نهایت به سطح بالاتری از آمادگی برسد.

■ **مهم‌ترین تهدیدی که ممکن است اثربخشی خدمات اربعین را تحت تأثیر قرار دهد، چیست؟**

یکی از مهم‌ترین تهدیدها، محدودیت زمانی است، از جمله برای ارائه آموزش‌های تخصصی و متناسب با اربعین. جمعیت هلال‌احمر در طول سال درگیر مأموریت‌ها، عملیات‌ها و ارائه خدمات مختلف است و به همین دلیل ممکن است فرصت کافی برای برگزاری آموزش‌های اختصاصی اربعین تا زمان نزدیک شدن به این رویداد فراهم نشود.

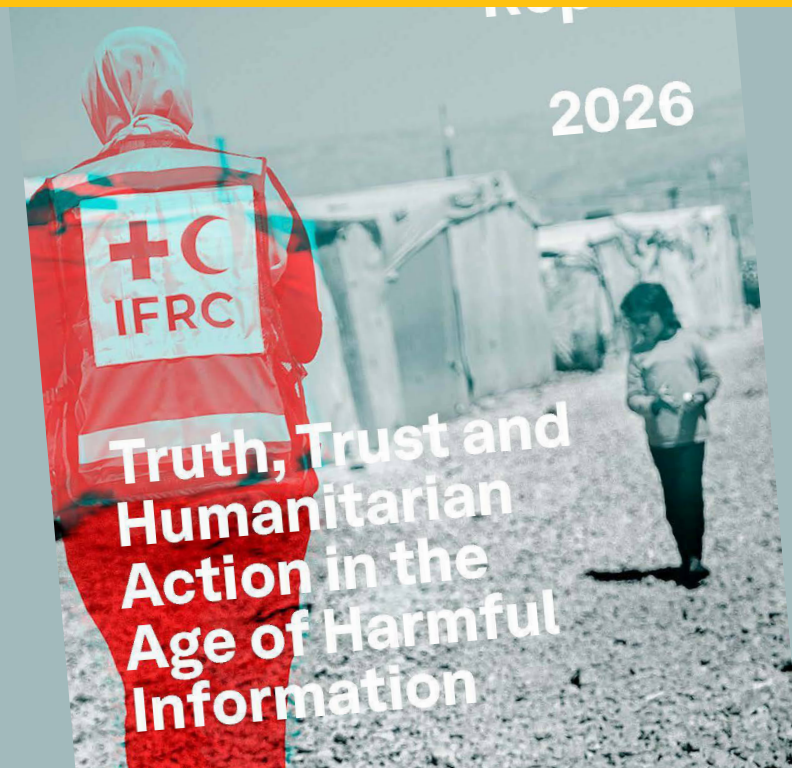
اگر آموزش‌های مورد نیاز به روزهای نزدیک به اربعین موکول شود، ممکن است امدادگران و نجاتگران فرصت کافی برای کسب، تمرین و تثبیت مهارت‌های لازم را نداشته باشند. بنابراین، یکی از تهدیدهای جدی برای اثربخشی آموزش‌های اربعین، فشردگی برنامه آموزشی و محدود بودن زمان برای آماده‌سازی نیروهاست؛ موضوعی که ممکن است بر سطح آمادگی و کیفیت ارائه خدمات در این مأموریت اثر بگذارد.

■ **آیا آمار بالای زائران و تنوع ملیت‌ها و گروه‌های سنی، آموزش همگانی را با چالش مواجه می‌کند؟**

قطعاً همین‌طور است. بر اساس آمار رسمی، در اربعین امسال قریب به ۲۰ میلیون زائر در نجف، کربلا، طریق‌الحسین(ع) و محورهای منتهی به این مناطق حضور داشتند که حدود ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر از ایران شرکت کردند. بنابراین بخش بزرگی از زائران، غیرایرانی بودند و زبان و ادبیات آموزشی آنها برای فراگیری آموزش‌های لازم، متنوع است.

اطلاعات نادرست بحران بشردوستانه

راضیه زرگری | در لحظه‌ای که یک سیل، جنگ، بیماری یا زلزله زندگی مردم را در معرض خطر قرار می‌دهد، اطلاعات درست، می‌تواند به اندازه آب، غذا و دارو حیاتی باشد؛ اما گزارش جهانی بلایای ۲۰۲۶ فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر نشان می‌دهد که در بحران‌های امروز، میدان امداد رسانی با تهدید دیگری نیز روبه‌روست: اطلاعات نادرست، اطلاعات گمراه‌کننده و روایت‌های غیرانسانی که می‌توانند اعتماد مردم به امدادگران را از بین ببرند، دسترسی به کمک را مختل کنند و حتی جان کارکنان و داوطلبان بشردوستانه را به خطر بیندازند. فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر (IFRC) در World Disasters Report 2026 هشدار می‌دهد که «اطلاعات آسیب‌زا» دیگر صرفاً یک مسئله ارتباطی یا رسانه‌ای نیست؛ بلکه به یک چالش عملیاتی و راهبردی برای فعالیت‌های بشردوستانه تبدیل شده است. این گزارش بررسی می‌کند که چگونه اطلاعات نادرست (misinformation)، اطلاعات گمراه‌کننده یا عامدانه فریبنده (disinformation) و روایت‌های غیرانسانی در بحران‌های طبیعی، جنگ‌ها، بحران‌های بهداشتی و مهاجرت، توانایی سازمان‌های امدادی برای کمک‌رسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این پژوهش حاصل مشارکت نزدیک به ۱۰۰ نویسنده و مشارکت‌کننده از ۶۰ سازمان، از جمله بیش از ۳۰ جمعیت ملی صلیب سرخ و هلال احمر است.



چرا اطلاعات نادرست می‌تواند جان انسان‌ها را تهدید کند؟

از نگاه IFRC، مسئله فقط این نیست که مردم یک خبر اشتباه را باور کنند. مشکل زمانی جدی می‌شود که اطلاعات نادرست، رفتار مردم در یک بحران واقعی را تغییر دهد. برای مثال، ممکن است شایعه‌ای باعث شود مردم: «از دریافت کمک‌های پزشکی خودداری کنند؛ هشدارهای مربوط به تخلیه یا خطر را جدی نگیرند؛ به کارکنان و داوطلبان امدادی بی‌اعتماد شوند؛ تصور کنند کمک‌ها میان گروه‌های مختلف تبعیض‌آمیز توزیع می‌شود؛ و یا حتی علیه امدادگران واکنش خشونت‌آمیز نشان دهند. به همین دلیل، IFRC معتقد است اعتماد عمومی خودش یک ابزار نجات‌بخش است.

نمونه تکان‌دهنده در سودان جنوبی

یکی از نمونه‌های ذکر شده در گزارش مربوط به سودان جنوبی است. در این کشور شایعاتی منتشر شد مبنی بر اینکه سازمان‌های بشردوستانه در حال توزیع غذای مسموم هستند. نتیجه فقط انتشار یک خبر نادرست نبود؛ بعضی از مردم، از دریافت کمک‌های حیاتی خودداری کردند و کارکنان محلی صلیب سرخ هم با تهدید روبه‌رو شدند. در نتیجه، فعالیت‌های امدادی برای مدتی مختل شد. این مثال نشان می‌دهد که فاصله بین «شایعه» و «پیامد انسانی» می‌تواند بسیار کوتاه باشد.

اسپانیا؛ وقتی کمک‌رسانی، قربانی روایت‌های ضد مهاجران شد

فدراسیون همچنین به سیل‌های والنسیا در اسپانیا اشاره کرده است. پس از سیلاب، روایت‌های جعلی در فضای آنلاین منتشر شد که صلیب سرخ اسپانیا را متهم می‌کرد، کمک‌های بشردوستانه را به مهاجران اختصاص می‌دهد و از سایر آسیب‌دیدگان دریغ می‌کند. این ادعاها به افزایش روایت‌های بیگانه‌ستیزانه کمک کرد و حتی حملات علیه داوطلبان صلیب سرخ را در پی داشت. این نمونه اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا نشان می‌دهد اطلاعات نادرست فقط در کشورهای جنگ‌زده یا دارای نظام سیاسی شکننده ایجاد نمی‌شود؛ حتی در یک کشور اروپایی هم می‌تواند عملیات امدادی را تحت تأثیر قرار دهد.

لبنان؛ از شایعه درباره واکسن تا بی‌اعتمادی به امدادگران

لبنان هم یکی دیگر از نمونه‌های گزارش IFRC است؛ در جریان بحران‌های متعدد این کشور، ادعاهای نادرستی درباره فعالیت داوطلبان و سازمان‌های بشردوستانه منتشر شد؛ از جمله ادعاهایی مبنی بر اینکه داوطلبان در حال انتقال کووید-۱۹، تبعیض در توزیع کمک‌ها یا ارائه واکسن‌های نایم ویا هستند. چنین روایت‌هایی اعتماد گروه‌های آسیب‌پذیر را کاهش داد و کار امدادگران را دشوارتر و خطرناک‌تر کرد.

بنگلادش؛ وقتی امدادگر متهم به سیاسی‌کاری می‌شود

در بنگلادش هم داوطلبان صلیب سرخ و هلال احمر در دوره‌ای از ناآرامی‌های سیاسی با اتهام‌هایی مبنی بر بی‌عملی یا وابستگی سیاسی مواجه شدند. IFRC می‌گوید که این روایت‌ها باعث آزار داوطلبان و آسیب بلندمدت به اعتبار عملیات بشردوستانه شد.

اعتماد از خود اطلاعات مهم‌تر است

IFRC تأکید می‌کند که مردم در شرایط بحران الزاماً به بزرگ‌ترین سازمان یا پرسروصداترین منبع اعتماد نمی‌کنند. در بسیاری از جوامع، داوطلب محلی، رهبر جامعه و رسانه محلی، می‌توانند از منابع بین‌المللی قابل‌اعتمادتر باشند. این موضوع اهمیت زیادی دارد، چون طبق گزارش، حدود ۹۴ درصد بلایا بدون کمک بین‌المللی و عمدتاً توسط مقامات ملی و جوامع محلی مدیریت می‌شوند؛ بنابراین، اگر اعتماد در سطح جامعه از بین برود، حتی بهترین سیستم بین‌المللی امداد رسانی هم ممکن است، نتواند به‌درستی عمل کند.

راه‌حلی پیشنهادی

فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ چند گروه را مسئول مقابله با این بحران می‌داند: **دولت‌ها و سیاست‌گذاران:** سرمایه‌گذاری در سامانه‌های اطلاعاتی و داده‌های محلی، افزایش شفافیت و ایجاد چارچوب‌های مبتنی بر شواهد را باید انجام دهند. **شرکت‌های فناوری و پلتفرم‌ها:** تقویت دسترسی کاربران به اطلاعات معتبر از منابع محلی، سلامت و بشردوستانه؛ ارائه ابزارهای چندزبانه و کم‌مصرف؛ و مقابله شفاف‌تر با محتوای آسیب‌زا.

سازمان‌های بشردوستانه: اطلاعات نادرست را مانند سایر خطرات بحران، از مرحله آمادگی تا پاسخ و بازسازی، وارد برنامه‌ریزی کنند؛ تیم‌های تخصصی داشته باشند و از ابزارهای پایش و تحلیل برای شناسایی روایت‌های خطرناک استفاده کنند.

IFRC در واقع یک تغییر مهم در تعریف «کمک بشردوستانه» پیشنهاد می‌کند: در بحران امروز، رساندن اطلاعات درست به مردم تقریباً به اندازه رساندن غذا، آب و سرپناه اهمیت دارد؛ چراکه اگر مردم ندانند کجا امن است، چه کسی واقعاً امدادگر است، کدام مرکز درمانی فعال است، چه کمکی در دسترس است و کدام هشدار معتبر است، ممکن است حتی وجود منابع امدادی نیز نتواند جان آن‌ها را نجات دهد.

ارائه خدمات اربعینی امسال نسبت به سال گذشته، رشد چشمگیری داشته است

خدمت در طریق الحسین^ع به روایت آمار

فاطمه حسینی | ۲۳ روز، جمعیت هلال احمر در مراسم پیاپی اربعین ۱۴۰۵، با افتخار، به مراجعین و زائران خدمات ارائه داد. در این مدت زمان، بیش از ۱۹ میلیون زائر، در مراسم پیاده‌روی شرکت کردند. درست است امسال، نسبت به سال گذشته، با کاهش حدود ۲ میلیون نفری، زائر در عراق مواجه بودیم، با این حال اما، بیش از ۵ میلیون خدمات امدادی و درمانی، به زائران ارائه شده است که نسبت به سال قبل، سال ۱۴۰۴، با رشد ۳۰ درصدی مواجه بودیم. در ادامه آنچه در ۲۳ روز خدمت عاشقانه، در مراسم پیاده‌روی انجام شده است، آمده است. آنچه که جمعیت هلال احمر در مراسم پیاده‌روی اربعین انجام می‌دهد، گسترده است، درواقع زنجیره‌ای از خدمات متنوع، شامل خدمات در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، موبک‌های استانی، موبک‌های مردمی و پست‌های سیار، شامل اتوبوس‌ها و آمبولانس‌هاست و هم در حوزه امدادی و هم درمانی است. همه این‌ها حوزه اختیارات جمعیت را گسترده میکند. در ادامه اقدامات جمعیت هلال احمر از نگاه آمار را بیان کردیم.

اقدامات راهبردی؛ چالش‌ها و دستاوردها

امسال نسبت به سال‌های قبل، دستاوردهایی هم داشته است؛ تشکیل شورای سیاستگذاری و دبیرخانه دائمی اربعین حسینی (ع) و برنامه‌ریزی به موقع اقدامات؛ سازماندهی قرارگاه‌های دران و برون مرزی از ابتدای سال ۱۴۰۵ و تفکیک وظایف و پیگیری تمامی موارد؛ بهره‌گیری از لجستیک جدید عملیاتی جمعیت هلال احمر به منظور ارائه خدمات؛ تشکیل قرارگاه کوت به عنوان قرارگاه مستقل و عملیاتی با مسئولیت جمعیت هلال احمر استان لرستان؛ بروزرسانی سامانه GPS خودروهای امدادی و مانیتورینگ کردن آن در قرارگاه‌های عملیاتی و ... از اتفاقاتی است که طرح اربعین امسال اتفاق افتاد.

هرچند که امسال اتفاقات خوش‌آیندی در مراسم اربعین اتفاق افتاد اما چالش‌هایی هم وجود داشت تا جمعیت، به فکر بیفتد تا برای بهتر برگزار شدن مراسم در سال‌های آینده تلاش کند. ضرورت تهیه و تدوین برنامه یکپارچه عملیات اربعین در دو بخش درون و برون مرزی، ضرورت ایجاد سامانه‌های یکپارچه ثبت عملیات و خدمات در ایران و عراق و اشتراک اطلاعات عمومی و مدیریتی، ضرورت تهیه و تدوین برنامه پاسخ اضطراری در مراسم اربعین با رویکرد مدیریت مخاطرات، تهدیدات و تجمعات انبوه، ضرورت آموزش و توجیه عوامل اجرایی و عملیاتی قبل از آغاز برنامه اربعین حسینی (ع) به ویژه در قالب کنگره اربعین حسینی، ضرورت ایجاد سامانه‌های ارتباطی مبتنی بر شرایط عادی و اضطراری (تلفن ثابت، سیم کارت دائمی، بیسیم HF و VHF و ...)، ضرورت ایجاد ساختار یکپارچه واحدهای عملیات اضطراری درون و برون مرزی و میدانی (ICS & IMS) با تجهیزات و لجستیک اختصاصی، ضرورت راه‌اندازی قرارگاه محور ناصریه به عنوان قرارگاه مستقل در کنار قرارگاه‌های نجف، کربلا، طریق، سامرا، کاظمین و کوفت ضرورت تعیین تکلیف پروتکل برخورد با بیماران روانی و مفقودین به صورت فرآیند مشخص برای پیگیری تمام حوزه‌های مسئول و ضرورت پیش‌بینی ICU سیار و دوربین برخط در آمبولانس‌ها و اتوبوس آمبولانس‌های هلال احمر از چالش‌هایی است که جمعیت باید برای ارائه بهتر خدمات در سال‌های بعد، با آن روبه‌رو و برنامه‌ریزی کند.

افزایش ۳۰ درصد ارائه خدمات

یک میلیون و ۹۱ هزار و ۶۴ ویزیت عمومی، ۳۴۷ هزار و ۵۶۲ ویزیت تخصصی فقط در مراسم اربعین امسال انجام شده است تا در مجموع حدود یک میلیون و ۴۳۸ هزار و ۶۲۶ خدمت پزشکی، امسال انجام شود. در سال گذشته، یک میلیون و ۱۷۸ هزار و ۴۳۹ خدمت پزشکی به زائران انجام شد تا امسال ۲۲ درصد رشد در ارائه خدمت پزشکی داشته باشیم. امسال جمعیت هلال احمر، دو میلیون و ۶۷۷ هزار و ۷۱۰ خدمت دارویی به زائران ارائه داد، این خدمات نسبت به سال گذشته، ۵۱ درصد افزایش داشته است، سال گذشته، یک میلیون و ۷۶۸ هزار و ۱۹۹ خدمت دارویی به زائران ارائه شد. امسال یک میلیون و ۷۰۲ هزار و ۴۹ خدمت پرستاری و پاراکلینیک و سال گذشته هم حدود یک میلیون و ۵۳۰ هزار و ۶۲۴ خدمت پرستاری و پاراکلینیک، به زائران ارائه شد تا ارائه خدمات پرستاری، حدود ۱۱ درصد افزایش داشته باشد. خدمات رادیولوژی و آزمایشگاهی هم امسال حدود ۳۴ درصد نسبت به سال گذشته افزایش داشته است، امسال حدود ۱۰ هزار و ۱۸۵ خدمت و سال گذشته هم، ۷۶۱۶ خدمت رادیولوژی و آزمایشگاهی به زائران ارائه شد و درنهایت خدمات امداد و انتقال در امسال و گذشته به ترتیب ۱۴ هزار و ۳۲۲ و ۱۲ هزار و ۱۶۴ نفر بوده است تا امداد و انتقال حدود ۱۸ درصد نسبت به سال گذشته رشد داشته باشد؛ تا در مجموع کل خدمات رایگان ۵ میلیون و ۸۴۲ هزار و ۸۹۲ خدمت باشد و نسبت به عدد ۴ میلیون و ۴۹۷ هزار و ۴۲ خدمت سال گذشته، حدود ۳۰ درصد افزایش داشته باشد.



درمانگاه
امام حسن
مجتبی
عمود ۵۲۷
مسیر جف به کربلا

بسته ویژه پیام هلال باب طبع همه سلیقه هاست

یک تفریح تمام عیار

لیلی تهرانی | این پکیج کامل است، یک فیلم ابرقهرمانی، یک پادکست ماجراجویانه، یک سریال طنز و سورئال و یک کتاب رئال، به شما معرفی شده است. یک پکیج همه پسند، برای همه سلیقه ها تقدیم به شما.



پادکست رادیو ماجرا

حالا ۴ فصل از پادکست رادیو ماجرا منتشر شده است؛ همین تمديد ۴ فصلی، نشان می دهد که این پادکست چه قدر میتواند جذاب باشد. همان طور که از اسم این پادکست به نظر میرسد، روایت ماجراها و اتفاقات افرادی است که بار و بنه جمع کرده اند، کوله پشتی به شانه انداخته اند و دل به دریا زده اند و رفته اند سفر. البته که در این پادکست، داستان هر نوع سفری هم روایت نمیشود، در این پادکست قصه افراد عادی که به سرزمین های کمتر شناخته شده، سفر کرده اند، بیان می شود؛ به مکان هایی که شاید توریست ها گذرشان به آنجا نرسد، بلکه گذر خوره های سفر به آنجا می افتد؛ پس اگر دلتان یک دل سیر سفر میخواهد و یا اگر هوس کرده اید، شکل جدیدی از سفر را (کوله گردی، سفر با دوچرخه و یا کاروان) را تجربه کنید اما شرایطش را ندارید، به پادکست رادیو ماجرا گوش دهید تا به مناطق ناشناخته هند، افغانستان، شیلی، ماداگاسکار، کنیا، مغولستان، گالاپوس، کره شمالی، سفری خیال انگیز داشته باشید.

کتاب به انتخاب مترجم

کلمه "محرر" برای این کتاب کم است، البته که نام «احمد اخوت» به عنوان مترجم اثر، بس است تا به سراغ کتاب بروید. البته که این کتاب، تازه منتشر نشده و در سال ۹۳ و در نشر افق منتشر شده است اما به «به انتخاب مترجم»، کم پرداخته شده. اخوت از حدود ۲۰ داستان نویسی به نام ادبیات، داستان های کوتاهی انتخاب کرده و در مقدمه، تا حدودی درباره آن ها توضیح داده است؛ اما آنچه که این کتاب را ویژه میکند، نقد داستان های اخوت است. نقدی، روان، گیرا و استادانه، کاری که اخوت، دکتر زبان شناسی، به بهترین شکل ممکن، آن را انجام می دهد.



سریال مگه تموم عمر چند تا بهاره؟

درست است که حالا حدود ۳ سال از ساخت و انتشار این سریال می گذرد اما دیدن دوباره این سریال، خالی از لطف نیست، یک سریال طنز با فضایی سورئال، به کارگردانی سروش صحت. این سریال حال و هوایی خاص، جالب و خوش دارد و برای این روزها که غم در جامعه سایه انداخته است، خالی از لطف نباشد. داستان از روزی شروع می شود که یک مار، یک نسخه خطی و یک حفره زندگی آرام خانواده ربانی را با چالش های زیادی مواجهه میکند. نکته جالب این سریال در این است که هیچ صحنه و هیچ واکنشی در مگه تموم عمر...؟ قابل پیش بینی نیست و همین داستان سریال را جذاب تر می کند. اگر دلتان می خواهد روزگار خوشی داشته باشید و کمی از دغدغه های زندگی دور شوید، مگه تموم عمر... را نگاه کنید.



فیلم مرد عنکبوتی

روز کاملاً جدید:

انتظارات پایان یافته است و فیلم جدید مرد عنکبوتی، حالا یکی، دو هفته ای می شود که رونمایی شده است. از اولین واکنش های این فیلم، به نظر می رسد که دوستداران مجموعه فیلم های مرد عنکبوتی از فیلم جدید کرتون نیز، کارگردان فیلم، راضی نگه داشته است. در این فیلم مرد عنکبوتی، مانند فیلم قبلی، تام هالند، مرد عنکبوتی شده است؛ اما ویژگی مهم آن، خارج از ابرقهرمانی بودن آن، بعد انسانی اش است. خارج از اتفاقات ابرقهرمانی، مبارزه با آدم بد ها و کمک به مردم، مرد عنکبوتی جدید، بعد انسانی جذابی هم دارد، این که غمگین و ناراحت است و هیچ کسی او را به یاد ندارد، هیچ کس یادش نیست که پیترو پارکر روزی وجود داشته است؛ شخصیت پیترو پارکر از یاد دوستان و همکلاسی ها رفته است و فقط مرد عنکبوتی است که به یاد مانده و تام هالند، بعد احساسی، تنهایی و این غم فراموشی را به خوبی در فیلم به تصویر می کشد.

